

درباره آداب جوانی کردن که به درد آینده نه چندان دورمان می خورد

جوانی کجایی که... ۴

طرح: نوجوانه



ننه سرما ۱۴۰۱



هنر شکیبایی



از این شاخه به اون شاخه



پیشنادهایی برای گل شدن خارها



گریز از مرکز

اندوه، رکود، پوچی، بی انگیزگی، سربار، بیکار و بیمار است. ولی متأسفانه خیلی از جوان های ما، امروزه خودشان را برده اند در ادبیات خنثی یا حتی گزنده. و به جای این که امید و حرکت به جامعه تزریق کنند، شده اند مانع رشد و پیشرفت و امیدواری بقیه. باور کنید همین دایره المعارفی از واژه ها که در طول روز به کار می بریم سن ما را تعیین می کند. خودتان دو دوتا چهارتا کنید و ببینید چقدر سن کلمات و ادبیات شما به عدد سن شناسنامه ای تان می خورد.

زنده است. بله کلمات چند مدل هستند. گروهی زنده و بالنده اند مثل بهار، آب، روان، توفیق، رشد، پیروزی، عزت، افتخار، محبت، محبوبیت، مقبولیت، مشروعیت، احترام، حرکت، و مثلاً همین جوانی. برخی کلمات خنثی حساب می شوند و در حقیقت نحوه استفاده از آنها، به آنها معنای دهد و تلخی یا بالندگی شان را ترسیم می کند؛ مانند: روز، شب، ماشین، چوب، لباس. اما گروه سوم واژه های تلخ و گزنده؛ مانند پیری، خستگی، بیابان، شکست، ذلت، طرد، بی احترامی، سکون، سیاهی، غم،

زنده باد جوانی

حتی کودکی. انگار آدم گاهی برای یک چیزی عجله می کند و بعد که رسید، دوست دارد برگردد به شرایط قبل. اما انصافش این است که دوران جوانی تداعی کننده توانایی، بالندگی، اقتدار، سلامتی، شادابی، سرور، سرزندگی، حرکت، فعالیت، جنب و جوش، خروش، جوشش، صداقت و احساسات و قطاری از این واژه های

زهرا قربانی
دبیر نوجوانه



همه نوجوانی به این است که داری از کودکی دور می شوی و پا به ایام جوانی می گذاری. این جمله من که نیست چون خودم جوان هستم و گاهی می گویم کاش برگردم به دوران نوجوانی یا